پراکندگی جغرافیای جمعیتی شیعیان امامیه بر مبنای کتاب «نقض»

مأنده بخشنده

چکیده

بررسی وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان در قرن پنجم هجری در پرتو کتاب ارزشمند نقض، در تعیین جایگاه سیاسی، وضعیت اجتماعی و در نهایت، در به تصویر کشیدن جامعه شیعیان، اهمیت به سزایی دارد.

نقض، نخستین کتاب نقدی است که می‌توان آن را نقد تاریخی - کلامی تلقی کرد و چنین نقد تاریخی‌ای به صورت منسجم سابقه ندارد. این کتاب از جمله گنجینه‌های فکری مسلمانان و از متون قدیم فارسی است که فقط چند سالی پس از چهار مقاله عروضی و مقامات حمیدی تألیف شده و مشتمل بر مطالب مهم تاریخی، ادبی، کلامی، جغرافیایی، ملل و نحل و ...

است. اهمیت نقض، تنها در بازگو کردن امور شرعی و آیینی نیست؛ بلکه نویسنده ضمن پاسخگویی و ردّ اتهامات، نام شهرها و محله‌های متعدد شیعه‌نشین در سده‌های اول هجرت، نام بسیاری از علما و خاندان‌های پرنفوذ شیعه و بسیاری مسائل دیگر را در باره سهم و نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلامی بیان کرده است که اهمیت و ضرورت پرداختن به این بحث را نشان می‌دهد.

بدین ترتیب، نوشتار حاضر بر آن است که به تأمل در باب جغرافیای جمعیتی شیعیان پرداخته تا بدین وسیله، به ساختار درونی اجتماع شیعیان پی ببرد و این‌گونه حضور قابل قبول آنان را در صحنه جامعه تأیید کند.

ص: ۳۶

کلیدواژه‌ها: شیعه دوازده امامی (اثنی عشری)، جغرافیای جمعیتی، سلجوقیان ایران، کتاب نقض.

مقدمه

کتاب نقض، معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض»، از متون ارزشمند و قابل توجهی است که در حدود سال ۵۶۰ ق، توسط عبد الجلیل قزوینی رازی، شخصیت مبرز و روحانی سده ششم هجری به نگارش در آمده است.

از میان اهالی علم و فرهنگ، افرادی چون علامه محمد قزوینی، مرحوم عباس اقبال آشتیانی، جلال الدین محدث و بسیاری از پژوهشگران که در تنظیم لغت‌نامه دهخدا همکاری داشتند، در جمع‌آوری نسخه‌های این کتاب، تلاش و همت فراوان نمودند. نقض، محصول سده‌های پنجم و ششم هجری است. در این زمان، پیروان مذاهب مختلف اسلامی با قلم و زبان و در مواردی با شمشیر، به جان یکدیگر می‌افتادند و کتاب نقض نیز نمونه‌ای از کتبی است که در این شرایط زمانی نگاشته شده و مملو از مسائل: کلامی، جدلی، ادبی، تاریخی، اجتماعی و ... است. همان‌طور که از عنوان کتاب بر می‌آید، موضوع آن، پاسخ دادن و رد کردن نسبت‌های ناروا و تهمت‌هایی است که دانشمند سنی ساکن شهرری (احتمالاً موسوم به شهاب الدین تواریخی شافعی) به شیعیان داده است.

در این نوشتار، توجه بر: پراکندگی، ترکیب و ساختار جمعیتی شیعیان است. با این که داده‌های جمعیتی به طور مشخص در این متن اندک است، اما کلیاتی که در باره ترکیب جمعیت به دست می‌دهد، تصویری از ساختار اجتماعی شیعیان آن عصر را نمایان می‌سازد که بیانگر فرایند زندگی اجتماعی این گروه، در خلال قرن ششم هجری است.

در این پژوهش سعی می‌شود با رویکردی اجتماعی، به بررسی جغرافیای جمعیتی شیعیان پرداخته شود. می‌توان گفت که تاکنون مطالعه روشمندی به طور

ص: ۳۷

مستقل از این منظر انجام نگرفته است و بدین ترتیب، پرداختن به این موضوع، اهمیت می‌یابد.

مفهوم جمعیت و جمعیت‌شناسی

واژه جمعیت در اصطلاح جمعیت‌شناسان، به اجتماعی از افراد مقیم در یک مکان اطلاق می‌شود، اعم از این که اقامتشان مستمر باشد یا موقت. در جمعیت‌شناسی، منظور از جمعیت، تجمعی است از افرادی که در یک منطقه زیست می‌کنند.

جمعیت‌شناسی، علمی است که ابعاد، شمار، ساختار، ویژگی‌ها و تحول جمعیت‌ها را اصولاً با روش کمی و ریاضی بررسی می‌کند و امکان آگاهی و تحلیل کیفی جمعیت را فراهم می‌سازد. جمعیت، قلمرو وسیعی در زمان و مکان و مباحث اجتماعی، اقتصادی و علمی دارد.^۱

در حقیقت، جمعیت‌شناسی در برگیرنده مطالعه علمی اندازه، توزیع جغرافیایی، ترکیب جمعیت‌ها و چگونگی تغییر این عوامل در طی زمان است.^۲

^۱ (۱). مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۳.

^۲ (۲). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ص ۱.

بنا بر این بر اساس توضیحات یاد شده، بررسی پراکندگی جغرافیای جمعیتی شیعیان بر اساس تقص، از موضوعات مهمی است که در شناخت گستره پراکندگی شیعیان، و ساختار و تحوّل جمعیتی آنان حائز اهمیت است.

سیر تشیع و خاندان‌های حکومتگر ایران

در طول تاریخ، وجود سلسله‌های مستقل و متعصب غیر شیعی در ایران، سدّی بر سر راه رشد تشیع بود. حکومت‌های اولیه اسلامی در ایران، صرف نظر از مواضع جزئی در مقاطع کوتاه، عمدتاً بر تسنن اصرار داشتند و در مقابل، حکومت آل بویه در فاصله بیش از یکصد سال، کمکی برای پیشرفت تشیع بود. بعد از آن، در عصر سلجوقیان، دو رویکرد نسبت به شیعیان وجود داشت: رویکرد اول، به دوران آغازین حکومت سلجوقیان مربوط است که همراه با خصومت و آزار بود و رویکرد دوم، هم‌زمان با

ص: ۳۸

دوره دوم این حکومت است که در آن، آزادی عمل بیشتری برای شیعیان دیده می‌شد.

عصر سلجوقیان در تاریخ تشیع، به مثابه دوران گذاری بین حکومت آل بویه و مغول است که در این دو حکومت، شیعیان از آزادی نسبی‌ای برخوردار بودند. پس از صد و سیزده سال حاکمیت خاندان شیعی مذهب بویه، حاکمیت سیاسی، به دست گروهی می‌افتد که در آغاز با گرایش شیعیان ناسازگار بودند و توان نظامی خود را در خدمت خلفای عباسی می‌گذاشتند. در واقع، شیعیان دوازده امامی، با خشونت حکام سلجوقی روبه رو شدند، حتی شیخ طوسی مجبور به ترک بغداد و اقامت در نجف شد و از نظر اجتماعی - آن‌گونه که از متون فرقه‌شناسی بر می‌آید - شیعیان، مورد تحقیر و گاه تکفیر اکثریت سنی مذهب‌ان قرار می‌گرفتند.

با این حال، در طول حکومت سلجوقیان، به تدریج نگرش نسبت به شیعیان، دگرگون گردید. آنان به مناصب اداری راه یافتند و پس از قتل نظام الملک (۴۸۵ ق) برخی به وزارت رسیده و حتی در برگزاری مراسم مذهبی خود (نظیر بیان مناقب امیر مؤمنان علیه السلام و بزرگداشت قیام حسینی) آزادی عمل داشتند و توانستند به رویارویی با مخالفان اندیشه‌های خود پردازند. موقعیت آنان به گونه‌ای تقویت گردید که نه تنها آخرین وزرای واپسین سلاطین سلجوقی، امامی مذهب بودند، بلکه وزیران خلیفه عباسی ناصر (۵۷۵-۶۲۲ ق) نیز به این مذهب روی آوردند. علاوه بر وجود امیران شیعی مذهب در دوره سلجوقیان، خود شیعیان نیز از اقتدار سیاسی برخوردار بودند و با اشتغال به مناصب دیوانی در حکومت سلجوقی، بر این اقتدار افزودند.

در حقیقت، تاریخ سلجوقیان با این بدفهمی همراه شده است که آنان در سراسر دوران سلطنت خود به مقابله با شیعیان مشغول بوده‌اند، در حالی که با بررسی‌های دقیق، به گونه عمل آنان با شیعیان پی برده و در نهایت، به دو رویکرد یادشده می‌رسیم.

به تدریج با آمدن مغولان، تصوّف و تسامح دینی گسترش یافت و با برکناری خلافت عباسی، تشیع و شریعت‌گرایی، به رشد خود ادامه داد، به گونه‌ای که از آن پس

در قرن هفتم، هشتم و نهم، شیعه در بسیاری از نقاط ایران مستقر شد و در حقیقت، شروع تشیع در این سه قرن، زمینه‌ای برای تشکیل حکومت صفویان گردید.^۳

پراکندگی جغرافیای جمعیتی شیعیان

در تقسیم‌بندی شهرهای شیعه‌نشین می‌توان سه حوزه جغرافیایی را در نظر گرفت:

۱. حوزه عراق عجم، شامل: قم، کاشان، آوه (آبه)، ری، ورامین؛
۲. حوزه حاشیه خزر، شامل: گرگان، استرآباد، دهستان، جرابادقان (خرابقان)، ساری و ارم و تقریباً تمامی بلاد مازندران و بعضی از دیار طبرستان؛
۳. حوزه خراسان، شامل: سبزوار.

در حقیقت، در نگاه شیخ عبد الجلیل، اهالی شهرهای یاد شده، شیعه امامی و اصولی هستند و بدین ترتیب، در دایره شهرهای شیعه‌نشین قرار می‌گیرند.^۴ در مقابل، شهرهایی چون: اصفهان، همدان، ساوه، بلاد آذربایجان، و سیستان (سگستان)، در حوزه شهرهای سنی‌نشین گزارش شده‌اند و به تعبیر نویسنده: «اینان در زمره شهرهایی هستند که بوی شیعه به آنان نرسیده».^۵

در واقع، در هر ولایتی، یک قوم و طایفه خاص غلبه دارد و بدین ترتیب، خطبه‌ها و سکه‌های آنها مختلف‌اند و احکام و فتاوی در هر ناحیه، بر اساس مذهب آن ناحیه تعیین می‌شود. ولایتی که پادشاه و مردم آن بر یک مذهب باشند، قدرت آنان بیشتر و غیر آنان زبون و خوار می‌گردند. مثلاً در آذربایجان، شیعه، زبون است و تیغ و قلم به دست شافعیان است و بالعکس در مازندران، شافعی، زبون و شیعه، دست به قلم است.^۶

شیخ عبد الجلیل هر یک از شهرهای شیعه‌نشین را با نام بزرگان آن دیار و صفت نیک مردمان آن شهر توصیف می‌کند. او در پاسخ خواجه سنی که به طریق استهزا

می‌گوید: «و لشکر علویان دانی که باشد: کفشگران در غایش، دباغان آوه، و عوانان قم، و گنده‌دهنان ورامین و کیاکان ساری و ارم»^۷، با چنین جملات بلیغی پاسخ می‌دهد:

^۳ (۱). جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، ص ۹۷.

^۴ (۲). ر. ک: نقض، ص ۱۱۱، ۱۲۷ و ۴۵۹.

^۵ (۳). ر. ک: همان، ص ۱۱۱ و ۱۲۲-۱۲۳.

^۶ (۴). ر. ک: همان، ص ۴۵۹.

^۷ (۱). همان، ص ۴۳۶.

اولاً لشگر آل مرتضی دانی که باشد؟ شیر مردان فلیسان باشند و سپاهیان در غایش و سادات در زاد مهران، و جوان مردان در مصلحگاه و معتقدان در رشقان و دیلمان آبه، و وزیران کاشان، و تازیان و علماء قم، و سادات و شیعت قزوین، و مردان مردانه و رؤسا و مصلحان ورامین، و شبخیزان نرمین و سروهه و معتقدان خوابه، و ملوک و اسپهبدان ساری، و دلیران ازم، و عارفان سبزووار و شجاعان و مبارزان نیشابور، و مهتران جرجان، و بزرگان دهستان، و مؤمنان جربایقان، و امینان استرآباد، نه مشتی دروغ بازی سیاه قفا، ... مروانی رنگ، چون قمار بازان در کنده و خردزدان در شهرستان و کره، گبریان قزوین، و اجلاف همدان، و کلان آمل و طبرستان و خران مزدقان و خربندگان ساوه، و مشبهیان اصفهان، و گاوان آذربایجان، و بی نفسان ابهر و ناکسان زنجان باشند.^۸

در حقیقت، عبد الجلیل با بیان ویژگی‌های مردم هر ناحیه، به دفاع از شیعیان پرداخته و وجود جوان مردان، و سپاهیان نیک صفت و در نهایت، حوزه‌های مختلف جغرافیایی شیعیان را یادآور گشته است. او در ادامه به وجود هزاران کُرسی، منبر، مدرسه و مسجد در شهرهای مُعظم اشاره کرده که شیعیان در آن جا به تقریر مذهب خویش می‌پردازند و ترکان و تازیان، حضور گسترده‌ای دارند.

در این شهرها کتب شیعه اصولیه، فراوان و بسیاری از نسخه‌های آن در کتاب‌خانه‌های مختلف سرزمین‌های اسلامی موجودند، از جمله این کتاب‌خانه‌ها، کتاب‌خانه صاحبی در ری، کتاب‌خانه بزرگ در اصفهان و کتاب‌خانه بو طاهر خاتونی در ساوه است که همه مملو از عدل خدا، مشحون از براهین توحیدی و نفی مشارکت و ردّ بر دشمنان دین مثل: فلاسفه، بواطنه، طبایعه و غلات.^۹

ص: ۴۱

علاوه بر آن در شهرهای حوزه خراسان، حدود مازندران و در شهرهای شام از حلب تا حرّان، مدارس سادات، و در حوزه عراق عجم چون قم، کاشان، آبه (آوه)، مدارس اوقافی به تحصیل و تهذیب مشغول بودند.^{۱۰}

از دیگر مکان‌های مهم شیعیان، زیارتگاه‌ها و مساجد آنان است. اهل ری به زیارت سید عبد العظیم، سید ابو عبد الله الابیض و سید حمزه الموسوی - که فضل و کمالشان ظاهر است - می‌روند، و اهل قم به زیارت فاطمه بنت موسی بن جعفر، اهل کاشان به زیارت علی بن محمد الباقر دربار کرسب (مشهد اردهال کنونی)، اهل آوه به زیارت فضل و سلیمان از فرزندان امام موسی بن جعفر الکاظم، و سنّیان و شیعیان قزوین به تقرب، به زیارت ابو عبد الله الحسین ابن الرضا می‌شوند.^{۱۱}

بنابر اهمیت، اعتبار و جمعیت شیعه ساکن در یک منطقه، مساجد جامع شیعیان در آن سرزمین احداث می‌گردید:

ری، سه مسجد؛ قم و آوه هر کدام دو مسجد؛ کاشان، ورامین و دیار مازندران، هر کدام یک مسجد.

^۸ (۲). همان، ص ۴۳۷ - ۴۳۸.

^۹ (۳). ر. ک: همان، ص ۱۸.

^{۱۰} (۱). ر. ک: همان، ص ۳۴.

^{۱۱} (۲). همان، ص ۵۸۸ - ۵۸۹.

ری که از مکان‌های مهم شیعیان است، دارای سه مسجد زیر بوده است:

۱. مسجد عتیق شیعه؛

۲. مسجد طغرل مربوط به حنفیان؛

۳. مسجدی واقع در محله روده مربوط به اشعری مذهبیان.^{۱۲}

حضور در مکان‌های عبادی و زیارتگاه‌ها و توجه به امر به معروف و نهی از منکر، از مسائل همیشگی در کانون‌های شیعه بوده است؛ در حالی که خواجه سنی، شیعیان را اهل امر به معروف و نهی از منکر نمی‌داند. شیخ عبد الجلیل رازی نیز در مقام پاسخگویی، اشاره می‌کند که این مسئله، حقیقتی است که بر دیگران پوشیده نیست و

ص: ۴۲

مسلمانان در زمان مناسب، این امر را انجام می‌دهند:

و اگر مقدراً چنین نکنند، چنگ و چغانه زنند و نرد و شطرنج نبازند و خمر و فقاغ نخورند که برخی مذاهب اهل سنت در آن روزگار، این کارها را مجاز می‌شمردند.^{۱۳}

شرکت در مجالس دیگران، از دیگر اقدامات دائمی شیعیان است. خواجه سنی اظهار می‌کند که: «شیعه به مجلس مخالفان خود شود،^{۱۴} در حالی که شیخ عبد الجلیل با آوردن آیه هفده سوره زمر: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»، نه تنها این کار را نکوهش نکرده، بلکه پسندیده نیز به شمار آورده است.^{۱۵}

در واقع، شیعیان زمانی به مجلس دیگران می‌روند که بدانند، آن عالم و گوینده، نفاق نمی‌کند و به طمع سیم دنیا و امید قبول حضور در میان عوام و خواص شیعه، در مذهب مدهنه نمی‌کند و تعصب ندارد. تنها در این صورت، شرکت کردن خود را مجاز دانسته و به مجلس او همچون مجلس مقیمان شهر می‌روند تا ثابت کنند که مدهنه و نفاق و تقیه به کار نبرده‌اند.^{۱۶}

در این جا سعی می‌شود به بررسی شهرهای شیعه‌نشین در سه حوزه اصلی: عراق عجم، حاشیه خزر و خراسان پرداخته شود.

الف. حوزه عراق عجم

۱. قم

^{۱۲} (۳). ر. ک: همان، ص ۳۹۵ و ۵۵۶.

^{۱۳} (۱). همان، ص ۵۸۳ - ۵۸۴.

^{۱۴} (۲). ر. ک: همان، ص ۱۰۴.

^{۱۵} (۳). ر. ک: همان جا.

^{۱۶} (۴). ر. ک: همان، ص ۱۰۶.

شهر قم همواره از شهرهای مهم شیعه‌نشین ایران بوده است و آن را باید نخستین شهر شیعه در حوزه‌ای دانست که در جغرافیای تاریخی، به نام ایران شناخته می‌شود؛ زیرا پیشینه تشیع آن به ربع آخر قرن اول هجری باز می‌گردد. درست در حالی که ایران آن زمان، هنوز گرفتار کشمکش بین پذیرش اسلام و باقی ماندن بر دین آبا و اجدادی

ص: ۴۳

خود بود، قم با سکونت اعراب، مشی مذهبی خود را برگزید،^{۱۷} و به طور قطع در آن جا یک نفر سنی هم یافت نمی‌شد.^{۱۸} نام قدیم قم در کتاب یاقوت، «کمندان» آمده که اعراب، پاره‌ای از حروف آن را حذف نموده و آن را قم نامیدند.^{۱۹}

از مهم‌ترین خاندان‌های عرب مقیم قم، طایفه اشعریان بوده‌اند که شمار آنان به شش هزار تن می‌رسید و اعتقاد این طایفه به تشیع و روحیه ضد اموی آنها در تاریخ ثبت شده است.^{۲۰}

در مورد آمدن اشعریان به قم و ساکن شدن آنان چنین روایت شده است:

چون عرب اشعریان به قم آمدند، در جوانب قم در خیمه‌هایی از موی نزول کردند. چون در این ناحیت متمکن شدند، در صحرای هفت ده خطه و منزل ساختند و سراها و بناها و ... بنا کردند و فرود آمدند و آن هفت ده:

ممجان، قزدان، مالون، جمر، سکن، جلنبدان و کمیدان است که الیوم قصبه و محلّتهای قم است. چون عرب به قم متمکن شدند و قرار گرفتند و اعقاب و اولاد ایشان به قم بسیار شد و ضیعت‌های بسیار را مالک شدند و بعضی از ضیعت‌های همدان، ری و اصفهان با آن جمع کردند که الیوم بدان معروف و مشهورند.^{۲۱}

قم در سال ۸۳ ق، به دست بنی سعد بن مالک اشعری، به صورت شهری در آمد و فرزند عبد الله بن سعد - که امامی مذهب و تربیت یافته کوفه بود -، به قم انتقال یافت و در گرایش مردم به تشیع، نقش مهمی ایفا کرد.^{۲۲} همچنین اکثر منابع، وجود شیعیان اثنی عشری را در این منطقه تأیید کرده‌اند.

ابن حوقل در قرن چهارم هجری، ضمن توصیف شهر قم می‌گوید:

جميع اهل آن بر مذهب شیعه‌اند، و اغلب مردم آن جا از عرب و زبانشان

ص: ۴۴

فارسی است.^{۲۳}

^{۱۷} (۱) ر. ک: تاریخ قم، ص ۲۷.

^{۱۸} (۲) ر. ک: معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۶۰.

^{۱۹} (۳) ر. ک: همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

^{۲۰} (۴) تاریخ قم، ص ۲۴۰.

^{۲۱} (۵) همان، ص ۲۳ و ۲۸.

^{۲۲} (۶) معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۶۰.

همچنین حمد الله مستوفی می‌گوید:

مردم آن‌جا شیعه اثنی عشری اند و به غایت متعصب و اکثر آن شهر، اکنون خراب است؛ اما بارویش بر جاست و حقوق دیوانی آن به تمغا مقرر است.^{۲۴}

این نکته شایان ذکر است که نه مستوفی و نه هیچ‌کدام از نویسندگان قدیم، نامی از مزار حضرت معصومه علیها السلام نیاورده‌اند، در صورتی که این شهر همیشه به‌عنوان یکی از مراکز شیعه، شهرت داشته است.^{۲۵} در توصیف اصطخری در مورد این شهر چنین اشاره می‌شود:

مردم این ناحیه تنگ معیشت باشند، آب چاه خورند و بر مذهب شیعه اند و اصل ایشان بیشتر از عرب است.^{۲۶}

در حقیقت، مجموع سخنان نویسندگان قدیم، دلالت بر شیعه بودن مردم این ناحیه دارد و به قول شیخ عبد الجلیل:

چون ذکر قم برود، دیگر ذکر مذهب، بی‌فایده باشد؛ زیرا که در قم، جز شیعی مذهب نباشد.^{۲۷}

آثار اسلام و شعار دین در آن‌جا به قوت باقی است؛ منبرهای باتکلف، مناره‌های رفیع، کراسی علما، عقود مجالس، کتاب‌خانه‌های پُر از کتب طوایف، مدرسه‌های معروف، مفسران عالم، ائمه نحو و لغت، شعرا فقها و متکلمان بزرگ، زهاد متعبد، اهل بیوتات از علوی و رضوی و تازی و دیالم و ... همه در این شهر حضور دارند. هر سحرگاه از چند مسجد و مناره، آواز موعظه و بانگ نماز متواتر و هر روز در مساجد و مدارس و در سراهای بزرگان، ختم قرآن معهود است. هر سال مال‌های فراوان از

ص: ۴۵

وجوه حلال در خمس و زکات و صدقات صرف می‌شود،^{۲۸} و نور و نزهت و برکت مشهد فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام ظاهر و سلاطین و وزیران معتقد، آثار خیرات و انوار برکات ایشان را دیده و شنیده‌اند.

اخبار فضیلت قم و اهل آن از رسول و ائمه، بی‌نهایت روایت شده است، از جمله آنان، وزیران شیعی مذهبی چون فخر الملک اسعد بن محمد بن موسی البراوستانی القمی است که امر به ایجاد قبّه برای امامان حسن بن علی، زین العابدین، محمدباقر، جعفر صادق علیهم السلام و عباس بن عبد المطلب در بقیع فرمود. همچنین مرقد امام موسی کاظم، امام

^{۲۳} (۱). سفرنامه ابن حوقل، ص ۱۱۳.

^{۲۴} (۲). نزهة القلوب، ص ۱۵۰ و ۲۱۷.

^{۲۵} (۳). ر. ک: جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۲۷.

^{۲۶} (۴). مسالك و ممالك، ص ۶۰.

^{۲۷} (۵). نقض، ص ۲۵۲.

^{۲۸} (۱). ر. ک: همان، ص ۱۹۵-۱۹۶.

محمدتقی و حضرت عبد العظیم حسنی علیهم السلام را با آلت و عُدّت و شمع که نشان از صفای اعتقاد اوست، زیبا و آراسته نمود و خود نیز در مقابل تربت حسین علیه السلام مدفون است.^{۲۹}

میرابو الفضل عراقی، دیگر وزیر شیعی مذهب در زمان سلطان طغرل کبیر است.

از اقدامات او ایجاد باروی شهر ری و قم، بنای مسجد عتیق و برافراشتن قبه برای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.

معتمدان و بزرگان قم، از دیگر افراد زبانزد این سرزمین هستند. از جمله آنان، شیخ ابی الحسن علی بن الحسین بن بابویه القمی معروف به شیخ صدوق است.

همواره در باره صحّت اخبار کتبش حکم داده‌اند. برادر او حسین بن علی بن بابویه نیز همچون او، مورد اطمینان بود و فرزندان زیادی را از اصحاب حدیث برجای گذاشت. این خاندان در هر عصر، در ثقه بودن و پرهیزکاری مشهور بودند و امید است که خداوند، آنان را از جانب اسلام و مسلمانان، برترین پادشاهها عطا فرماید.^{۳۰}

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از دیگر بزرگان قم با کنیه ابا جعفر است. در بین اهل قم مانند او، در به خاطر آوردن و فراوانی علم، کسی نیست و به

ص: ۴۶

تنهایی همانند سیصد نویسنده است. در باره او نوشته‌اند که شخصی بلندمرتبه، حافظ احادیث و آگاه و بینا نسبت به اخبار بود و در آخر این که او را علامه و پادشاه نامیده‌اند.^{۳۱}

در مجموع، وجود سادات، نقبا، وزرا و خاندان‌های بزرگ، از ویژگی‌های این شهر کهن است که همواره در رشد و گسترش تشیّع، نقش به سزایی داشته‌اند.

۲. کاشان

شهری نامور و کهن‌ساز در مرز کویر^{۳۲} که ابنیه آن مانند ساختمان‌های قم، غالباً از خشت است. جغرافی‌نویسان قدیم عرب، آن را به صورت «قاشان» نوشته‌اند.^{۳۳} در ولایتش حدود هجده پاره ده است که اکثرشان حکیم‌وضع و لطیف‌طبع اند.^{۳۴} این شهر در مشرق‌زمین به ساختن یک نوع آجر معروف به کاشی یا کاشانی معروف است و این نام در حال حاضر

^{۲۹} (۲). ر. ک: همان، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.

^{۳۰} (۳). روضات الجنّات، ج ۶، ص ۱۳۲.

^{۳۱} (۱). ر. ک: همان، ص ۱۳۴.

^{۳۲} (۲). أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ص ۵۸۱.

^{۳۳} (۳). مسالك و ممالك، ص ۲۰۲.

^{۳۴} (۴). نزهة القلوب، ص ۷۴.

بر آجرهای آبی و سبزی که برای آراستن مساجد به کار می‌رود، اطلاق می‌شود. همچنین، کاسه‌های سبزرنگ زیبای آن‌جا به دیگر سرزمین‌ها صادر می‌گردد.^{۳۵}

در ذکر مذهب این مردم، تمامی منابع به شیعه بودن آنان اشاره کرده‌اند و اهالی کاشان را تماماً شیعه امامیه می‌دانند. این شهر با تأثیرپذیری از قم و هم‌زمان با آن، از اولین مراکز شیعه در ایران محسوب می‌شود.^{۳۶}

کاشان همیشه به نور شریعت و به زینت اسلام مشهور بوده و دارای مدارسی بزرگ و اوقافی است. و مدرّسانی چون سید امام ضیاءالدین ابو الرضا فضل الله بن علی الحسنی که در بلاد اسلام معروف به علم و زهد است، در این سرزمین حضور داشتند. فقها، علما، مؤذنان و قاضیانی چون: ابو علی طوسی و فرزندانش، جمال ابو الفتوح و قاضی خطیر ابو منصور، از بزرگان کاشان هستند.

همچنین عمارت مشهد امام زاده علی بن محمد بن الباقر در بارکرز یا بارکرسب

ص: ۴۷

(مشهد اردهال کنونی)، همواره پذیرای زائران است و مجدالدین از بزرگان این دیار، به زینت و رونق و نور و برکات آن و صفای ایمان و نزهت طاعت مؤمنان آن اشاره کرده است.^{۳۷}

۳. آوه (آبه)

مقدسی، آن را آوه ری، یاقوت، قریه یا شهرچه‌ای به نام آبه،^{۳۸} و مستوفی، ولایتی با «چهل پاره ده» معرفی می‌کند.^{۳۹} هم‌اکنون آبه در مغرب قم، از توابع ساوه محسوب می‌شود. مردم آن، سفیدچهره و در مذهب، شیعه اثنی عشری و به غایت متعصب اند،^{۴۰} در حالی که اهل ساوه، سنی شافعی اند و همواره این دو گروه نسبت به یکدیگر تعصب می‌ورزند.^{۴۱} می‌گویند بین اهالی ساوه و آبه، نه‌ری بزرگ است که هنگامه بهار، اتابک شیرگیر، پلی عجیب و شکوهمند - که دارای هفتاد طاق بود - بر آن ساخت که مانند آن بر روی زمین وجود نداشت.^{۴۲}

آبه اگر چه شهر کوچکی است، اما بقعه‌ای است بزرگوار از شعار مسلمانان و آثار شریعت مصطفوی و سنت علوی. غدیر و قدر و عاشورا و ختم قرآن، در آن جا متواتر و علمای آن چون سید ابو عبد الله و سید ابو الفتوح الحسینی، متبحر و

^{۳۵} (۵). معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۸.

^{۳۶} (۶). نزهة القلوب، ص ۷۴.

^{۳۷} (۱). نقض، ص ۱۹۸ - ۱۹۹.

^{۳۸} (۲). جغرفیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۲۸.

^{۳۹} (۳). نزهة القلوب، ص ۶۶.

^{۴۰} (۴). همان، ص ۶۵ - ۶۶.

^{۴۱} (۵). معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۴.

^{۴۲} (۶). روضات الجنّات، ج ۶، ص ۳۲۳.

متدین، همچنین وجود امامزادگان عبد الله موسی، فضل و سلیمان از اولاد موسی کاظم علیه السلام، این شهر را منور و مشتهر ساخته است.^{۴۳}

از پیامبر روایت است که فرمود: «در شب معراج، نظرم بر بقعه‌ای افتاد سفید و نورانی که بوی خوش آن بر من رسید. پرسیدم که این کدام بقعه است؟ جبرئیل گفت:

این بقعه را آبه خوانند، که رسالت تو و آل تو را بر آن عرضه کردند و آنان نیز قبول

ص: ۴۸

کردند. باری تعالی از آن‌جا مردانی را آفریند که متابعت تو و فرزندان تو را دارند.

مبارک باد بر آن شهر و بر اهلش ولایت و مودت شما».^{۴۴}

عالمان، فقیهان، وزیران و نقیبان این دیار، همواره مشهور بوده‌اند، نظیر:

یک. الشیخ الفقیه موفق الدین الحسن بن محمد بن الحسن الآبی: معروف به خواجه الساکن که در روستای راشده از روستاهای ری زندگی می‌کرد.^{۴۵}

دو. محمد بن محمد العلوی الحسینی الآوی: از عالمان، سادات و از برترین حدیث‌گویان ثقه بود که پدر بزرگ، پدر و فرزندش نیز از مشایخ بزرگ بودند و جد پدریشان ملقب به زین الفرید و المصحف بود.^{۴۶}

سه. ابو العباس احمد بن حسین بن عبد الله عروزی آبی: عالم، فقیه، محدث و استاد شیخ صدوق در قرن چهارم هجری بوده است.

چهار. مجد الدین صاعد: پسر علی آبی که در دوران آل بویه فقیه و واعظ بوده است.

پنج. ابو منصور حسین آوی: ادیب، فقیه، شاعر و وزیر طبرستان در اوایل قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری.

شش. ابو علی محمد بن احمد بن صلت قمی آبی: از عالمان و بزرگان معروف آبه در نیمه اول قرن سوم هجری.^{۴۷}

هفت. شمس الدین محمد آوی: از دیگر بزرگان این دیار است که مدتی از یاران سلطان علی بن مؤید، پادشاه خراسان بوده است. پس از این که تیمور بر این سرزمین حاکم شد، او به اجبار از آن سرزمین روانه گشت و در حدود سال ۷۹۵ ق، وفات یافت.^{۴۸}

^{۴۳} (۷). ر. ک: نقض، ص ۱۹۹.

^{۴۴} (۱). ر. ک: همان، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

^{۴۵} (۲). روایات الجنات، ج ۶، ص ۳۲۳.

^{۴۶} (۳). همان، ص ۳۲۰.

^{۴۷} (۴). جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، ص ۱۷۱.

هشت. ابو منصور و برادرش اسعد: از وزیران آبه بودند که بندار رازی در مدح این دو برادر، ۲۷ قصیده سروده است.

ص: ۴۹

نه. سعد الملك سعد بن محمد بن آوی: از دیگر وزیران آوه که ائمه و علما او را «صاحب» و «خداوند» نوشته و خواندند.^{۴۹}

ده. نقیب طاهر موسوی و خاندان سید نقیب جمال الدین شرف‌شاه الحسینی: از بزرگان و نقیبان آوه هستند که فضل و رفعت آنان زبانزد است.^{۵۰}

۴. ری

پشت عراق و روی خراسان ری است ری پشتی چه راست دارد و رویی چه نازنین!

شهری در گوشه شمال خاوری ایالت جبال واقع است. نویسندگان عرب، همیشه آن را با الف و لام تعریف، به صورت «الری» می‌نوشتند و یونانیان آن را segahR می‌گفتند.^{۵۱}

ری، هم در عهد باستان و هم پس از آن در نزد فرق مذهبی، علمی و سیاسی، از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار بوده است. نامش در اوستا و تورات درج شده و به همین سبب، شهری دینی و مقدّس به شمار می‌رود. در حقیقت، منظور از ری یاد شده در تورات، اوستا و کتیبه بیستون، بخش ری قدیم است.^{۵۲}

شهر کهن ری که در قدمت با بابل و نینوا پهلو می‌زند، به روزگار باستان، بزرگ‌ترین شهر ماد و در قرون نخستین اسلام، پس از بغداد از مهم‌ترین سرزمین‌ها به شمار می‌آمد.^{۵۳} این شهر در قرن چهارم هجری از بزرگ‌ترین مراکز چهارگانه ایالت جبال بوده است. ابن حوقل در سفرنامه خود اشاره می‌کند که پس از بغداد، آبادتر از ری شهری در شرق نیست، جز آن‌که نیشابور به وسعت از آن بیشتر و بزرگ‌تر است و مساحت شهری، یک فرسخ و نیم در یک فرسخ و نیم است.^{۵۴}

ص: ۵۰

^{۴۸} (۵). روضات الجنّات، ج ۷، ص ۱۱.

^{۴۹} (۱). نقض، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.

^{۵۰} (۲). همان، ص ۲۲۳ و ۲۲۶.

^{۵۱} (۳). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۳۱.

^{۵۲} (۴). پژوهشی در شاهنامه، ص ۵۹.

^{۵۳} (۵). همان، ص ۷۵.

^{۵۴} (۶). سفرنامه ابن حوقل، ص ۲۶۵ و ۲۶۹.

در واقع، ری، حوزه‌ای دلگشا و پرآب، با بادیه‌های گران‌مایه است و همین سرزمین بود که عمر بن سعد را واداشت تا به کشتن حسین بن علی علیه السلام دست بزنند. او اظهار می‌کرد که فرمان‌روایی ری، روشنی‌بخش چشمانش است و شاید به خاطر همین مسئله است که در احادیث، از سرزمین ری، به عنوان سرزمینی نفرین شده - که کنار توفانی از گرد قرار گرفته و خاکش لعنت زده است - یاد می‌شود.^{۵۵}

گفته شده که شخصی به نام روی بن بیلان بن اصفهان، ری را پایه‌گذاری کرده است. او را از فرزندان بیلان بن اصفهان بن فلوج بن سام بن نوح خوانده‌اند و در بعضی اقوال، به جای واژه بیلان، بنی شیبیان بن اصفهان نیز دیده می‌شود. ری دارای قلعه‌ها و مساجد فراوانی است. مسجد جامع ری یا جامع عتیق یا جامع مهدی، بزرگ‌ترین مسجد ری در عهد اسلامی و از بناهای محمد مهدی خلیفه عباسی بود.

مهدی، در خلافت منصور به ری آمد و شارستان ری را ساخت و گرد آن، خندقی به وجود آورد و در آن، مسجد جامعی احداث کرد. این کار به دست عماد بن ابی‌الخصیب انجام پذیرفت. وی نام خویش را بر دیوار مسجد نوشت و تاریخ آن را در سال ۱۵۸ ق، ضبط کرد و برای شارستان، کهن‌دژ یا قلعه‌ای طرح افکند که خندقی دیگر آن را در میان داشت و این مجموعه را «محمدیه» نام نهاد.^{۵۶}

اهالی ری و اکثر ولایات آن، شیعه اثنی عشری اند، به جز دیه قوه یا کوهه (در حوالی بی‌بی شهربانوی کنونی) و چند موضع دیگر که حنفی‌اند.

در ری، اهل بیت علیهم السلام بسیار مدفون‌اند و از اکابر و اولیا بسیار آسوده‌اند، همچون:

ابراهیم خواص، کسائی سابع قرآء السبعة، محمد بن الحسن الفقیه، شیخ جمال الدین ابو الفتوح و جوان‌مرد قصاب.^{۵۷} در واقع، شیوخ مقدّم و بیروان محتشم از اقصی بلاد

ص: ۵۱

شام، حجاز و مغرب، پای‌افزار در پای کرده و هزار فرسنگ زمین می‌پیمایند تا به زیارت بزرگانی چون: شیخ بایزید بسطامی، پیر محمد المقدسی و یا به زیارت بو بکر طاهران روند.^{۵۸}

در حقیقت، ری، شهر عظیمی است که زادگاه سردارانی چون: شاپور رازی، بهرام چوبین و دانشمندی چون: محمد زکریا، امام فخر رازی و ابو الفتوح رازی بوده است.^{۵۹} بزرگان و خاندان‌های شیعی مذهب در ری، بسیار معروف و مشهورند همچون:

^{۵۵} (۱). أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ص ۵۷۴.

^{۵۶} (۲). پژوهشی در شاه‌نامه، ص ۶۹.

^{۵۷} (۳). نزهة القلوب، ص ۵۹.

^{۵۸} (۱). نقض، ص ۶۴۴.

^{۵۹} (۲). برخی از آثار بازمانده از ری قدیم، ص ۴۰.

یک. شیخ بو جعفر بابویه: در فضل و بزرگی به گونه‌ای است که از ری تا بلاد ترکستان و ایلاق، اثر علم و فضل و برکات زهد و امانت او پوشیده نیست.^{۶۰}

دو. سید فخر الدین شمس الإسلام الحسن: از بزرگان سادات است که به همراه پدرش هر دو رئیس شیعه در ری بودند.^{۶۱}

سه. ابو القاسم عبدویه: فردی اصولی مذهب و شیعه که پادشاه وقت، او را به سبب فتنه و غوغا بر دار آویخت؛ اما پیشیمان شد و او را در مقابل تربت عبد العظیم حسنی دفن کردند.^{۶۲}

چهار. سید زکی ابو الفتح ونکی؛ قاضی سید بوتراب عباسی؛ ابو المفاخر قزوینی؛ ابو المحاسن کیاکی: هر چهار نفر از شیعیان معتقد، معتمد و مقبول قول ری بودند.^{۶۳}

پنج. خاندان سید کامل نقیب؛ سید عماد الدین شرف؛ سید عماد الدین عبد العظیم حسنی قزوینی: از جمله مناقب خوانان این سرزمین‌اند. اینان در قطب روده، برشته نرصه، سر بلیسان، مسجد عتیق، زادمهران و مصلحگاه، به مدح و منقبت پرداختند و جهاد آنان با ملحدان طوایف معلوم است.^{۶۴}

در بررسی تحوّل مذهبی در شهر ری باید خاطر نشان ساخت که این تحوّل، تحوّل تدریجی بوده که طی هفت قرن به درازا کشیده است. این دگرگونی،

ص: ۵۲

از ناصبی‌گری آغاز شده و به تشیع امامی، پایان یافته است. در واقع، در پیشینه‌یابی دینی این شهر، به تسنن قوی در این شهر می‌توان پی برد که پس از پیروزی عباسیان کاهش می‌یابد و به مرور زمان و تحت تأثیر شهر قم، به تشیع گرایش پیدا می‌کند، به گونه‌ای که در قرن پنجم و ششم، مذهب تشیع به صورت مذهبی قدرتمند در آن خودنمایی می‌کند و سرانجام در قرن هشتم، اهل شهر و بیشتر ولایات آن، شیعه اثنی عشری هستند.^{۶۵}

از جمله نمونه‌هایی که از فرایند تحوّل مذهبی در ری سخن می‌گوید، مربوط به عصر امویان است. در این زمان، کثیر بن شهاب از سوی مغیره بن شعبه (والی کوفه) به سمت حاکم ری منصوب شد و بر منبر ری به امام علی علیه السلام فراوان دشنام می‌داد، در حالی که در سفرنامه ابو دلف در قرن چهارم هجری اشاره شده که شهری است به نام «سورین» که مردم

^{۶۰} (۳). ر. ک: نقض؛ ص ۲۹، ۴۰ و ۱۹۱.

^{۶۱} (۴). همان، ص ۸۳.

^{۶۲} (۵). همان، ص ۱۲۱.

^{۶۳} (۶). همان، ص ۵۸۴.

^{۶۴} (۷). ر. ک: همان، ص ۷۴-۷۵، ۲۲۳ و ۲۲۶.

^{۶۵} (۱). جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، ص ۹۷.

از آن کراهت دارند و آن را به فال نیک نمی‌گیرند و بدان نزدیک نمی‌شوند. سبب را پرسیدند، پیرمردی از اهالی آن سامان گفت: علت آن است که شمشیری که با آن یحیی بن زید کشته شده، در این آب شسته شده است.^{۶۶}

در واقع، این گزارش، دوسویه است: از یک جهت، نشانگر علایق غیر شیعی بخشی از مردم ری در قرن دوم هجری است و از سوی دیگر، حساسیت و علایق مثبت مردم ری را نسبت به اهل بیت علیهم السلام در قرن چهارم نشان می‌دهد. البته یادآوری این نکته هم حائز اهمیت است که در میان دوستان و بیعت‌کنندگان با زید بن علی، کسانی از مردم ری نیز وجود داشتند.^{۶۷}

آنچه به عنوان تشیع اصیل در ری پدید آمد، ارتباط برخی از مردم و ساکنان ری با امامان شیعه بود. نخستین روایتی که به این‌گونه تماس‌ها اشاره می‌کند، ارتباط یکی از شیعیان ری با امام کاظم علیه السلام است. در میان اصحاب امام کاظم و امام رضا علیه السلام، چند نفری

ص: ۵۳

وجود داشتند که ملقب به «رازی» بودند. این افراد یا اهل ری بودند و یا چندی را در ری گذرانیده بودند. از دیگر دلایل مهم ارتباط امامان با شیعیان ری و کثرت شیعیان در آن‌جا، وجود یکی از وکلای امام عصر به نام ابو الحسن محمد بن جعفر اسدی در ری است. همچنین از دیگر چهره‌های شاخص اصحاب ائمه، حضرت عبد العظیم حسنی است که در شمار اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بود. آمدن ایشان به ری هم نشانه وجود تشیع در این شهر و هم زمینه‌ای برای رشد دعوت شیعی بوده است.^{۶۸}

علاوه بر وجود افراد و شخصیت‌های شاخص، پایه‌گذاری و اقتدار حکومت‌های شیعه‌مذهب نیز در گرایش به تشیع، حائز اهمیت است. بنا بر این، حکومت هشتادساله آل بویه در ری، با ملاحظه گرایش‌های شیعی و وزرای آنان، باعث ترویج هرچه بیشتر تشیع در این شهر گردید. شاهان این خاندان، خود از مروّجان فرهنگ و فضیلت بودند. همچنین صاحب بن عبّاد، بی‌نهایت علاقه‌مند به خاندان نبوت بوده و بیش از نیمی از اشعارش در ستایش اهل بیت علیهم السلام است. او در ری، صاحب کتاب‌خانه‌ای عظیم بود که مثل آن را در هیچ عهده‌ای برای هیچ بزرگی ذکر نکرده‌اند.

گویا در آن زمان، این کتاب‌خانه به میزان مجموع کتاب‌خانه‌های سراسر اروپا کتاب داشته است. دلیل این دعوی نیز سخن آرتور آپهام یوپ است. او اظهار می‌کند:

شاید کتاب‌خانه شخصی مانند صاحب بن عبّاد در قرن دهم میلادی، معادل مجموع کتاب‌خانه‌های سراسر اروپا بوده باشد و بدیهی است کتاب‌های خوش‌خط مُدّهَب اعلی در میان آنها کم نبوده.^{۶۹}

^{۶۶} (۲). سفرنامه ابو دلف، ص ۷۴-۷۵.

^{۶۷} (۳). تاریخ گسترش تشیع در ری، ص ۱۰.

^{۶۸} (۱). همان، ص ۱۹.

^{۶۹} (۲). پژوهشی در شاه‌نامه، ص ۱۱۰.

خاندان‌های اصیل شیعی همچون خاندان بابویه، از دیگر عوامل پایدار در گرایش شیعی این منطقه است. نخستین فرد، علی بن حسین بن موسی بن بابویه، پدر شیخ صدوق است که ابتدا در قم می‌زیسته است؛ اما در ری نیز آمد و شدی داشته است.^{۷۰}

ص: ۵۴

از دیگر علمای بزرگ این شهر، شیخ مرتضی است که علمای فریقین هر آینه به سلام او می‌آیند و سلاطین نیز در وقت انزوی او به نزدش می‌روند. حتی اشاره می‌شود که نظام الملک با همه قدرتش، هر سال چند بار به سرای او می‌رفت.^{۷۱} او در ایام وزارت خود چندی در ری اقامت داشت و با آن‌که خود، شافعی مذهب بود، در محضر درس عالمان شیعی حضور می‌یافت. شیخ عبد الجلیل در باب حضور یافتن خواجه در درس عالمان شیعه و رفتن از شهری به مجلس درس ایشان چنین ذکر کرده:

در هر دو هفته نظام الملک از ری به دوریست (درشت کنونی) رفتی و از خواجه جعفر استماع کردی و بازگشتی. از غایت فضل و بزرگی او و آن خاندانی است به علم و عفت و ورع و امانت مذکور^{۷۲}

در حقیقت، وجود بزرگان، اصحاب و حکومت‌های شیعه مذهب در ری، باعث گردید محله و منطقه‌های شیعه‌نشین به وجود آید. جنوب شرقی، غرب و نیمه شمال غربی ری، به شیعیان اختصاص داشته است. حنفیان در مشرق شهر و در نهایت، شافعیان، جایی در مرکز شهر به سوی شمال، در حوالی ساربانان (در فاصله تقی‌آباد و برج طغرل کنونی) در میان دو فرقه شیعه و حنفی زندگی می‌کردند.

محله‌های شیعه‌نشین ری

یک. مُصلِحگاه (مصلحکان، مصلّاگاه، مسلحگاه، مصلحتگاه)

از اماکن بزرگ شیعیان است و شیخ عبد الجلیل این‌گونه از آن یاد می‌کند:

... ساداتِ درِ زادمهران و جوان‌مردانِ درِ مصلِحگاه و معتقدانِ درِ رشقان^{۷۳}

دو. درِ غابش (درِ عابس، درِ عابش، درِ عانش)

همه شواهد و قراین در کتاب نقض، نشانی است بر این که درِ غابش، از نقاط

ص: ۵۵

^{۷۰} (۳). تاریخ گسترش تشیع در ری، ص ۳۷.

^{۷۱} (۱). نقض، ص ۳۹۹.

^{۷۲} (۲). همان، ص ۱۴۵.

^{۷۳} (۳). همان، ص ۴۷۵.

مهم شیعه‌نشین بوده و ظاهراً در فاصله جنوبی حرم عبد العظیم قرار داشته است. عبد الجلیل در باب مذهب مردم این ناحیه چنین می‌آورد:

لشکر آل مرتضی که باشند؟ شیرمردان فلیسان، و سپاه سالاران در غابش و سادات در زادمهران^{۷۴}

سه. باطان

این محله در مغرب محمدیه و در مشرق و جنوب شرقی دروازه باطان (حوالی میدان ری کنونی و حرم عبد العظیم تا نزدیکی قلعه گبری فعلی) واقع و از برزن‌های مهم به شمار می‌رفته است. در این محله، بزرگی از سادات شیعه مدفون است و بی‌گمان، مراد صاحب نقض از سیدی که در باطان مدفون است و او را به خواب دیده‌اند، حضرت عبد العظیم است. البته بخشی از این محله به اهل سنت مخصوص بوده و عبد الجلیل در مقام هجو مردم محله‌های سنی‌نشین چنین می‌گوید:

... قماربازان درکنده و رمالان باطان و خربندگان ساوه و مختنان اصفهان^{۷۵}

چهار. در رشقان

نام این محله در تاریخ رویان اولیا «در رشکان»^{۷۶} و در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار و مرعشی «دزرشکان»^{۷۷} و در نقض «در رشقان» ذکر شده است. این محله، مخصوص شیعیان بوده است همچنان‌که عبد الجلیل می‌گوید:

لشکر آل مرتضی که باشند ... جوان مردان در مصلحگاه و معتقدان در رشقان^{۷۸}

پنج. دروازه آهنین

ذکر این محل در نقض، در مقام برشمردن نام پاره‌ای از مدارس ری چنین آمده است:

مدرسه‌ای به دروازه آهنین که منسوب است به سید زاهد ابو الفتوح نه هم

ص: ۵۶

در عهد دولت ملکشاهی ساختند.^{۷۹}

^{۷۴} (۱) همان جا.

^{۷۵} (۲) همان، ص ۶۴۹.

^{۷۶} (۳) ر. ک: تاریخ رویان.

^{۷۷} (۴) ر. ک: تاریخ طبرستان.

^{۷۸} (۵) نقض، ص ۴۷۵.

^{۷۹} (۱) همان، ص ۴۷.

در باب دروازه آهنین جز در نسخه بدل مسالک و ممالک اصطخری در منابع دیگر ذکری به نظر نمی‌رسد و این برزن، از نقاط شیعه‌نشین ری به حساب آمد.^{۸۰}

شش. دروازه جاروب بندان

به قرینه نام، در این محل جاروب برای شهر فراهم می‌آمده و از محله‌های شیعه‌نشین به شمار می‌آمده است. در نقض چنین آمده است:

مدرسه خواجه امام رشید رازی به دروازه جاروب بندان است که در آن زیاده از دویست دانشمند معتبر، درس دین و اصول و فقه و علم شریعت خواندند، که علامه روزگار خویش بودند....^{۸۱}

هفت. زعفران جای

این مکان ظاهراً جایی بوده که شیعیان در آن مراسم عزاداری به پا می‌داشتند و احتمالاً باید در فاصله میان حرم عبد العظیم و امام‌زاده عبد الله باشد؛ زیرا برحسب عرف و عادت معهود، عزاداری همیشه در نزدیکی اماکن مقدسه برگزار می‌شود.^{۸۲}

هشت. کوی فیروزه

در نقض چنین آمده است:

و مدرسه کوی فیروزه، نه در عهد این سلاطین (سلجوقیان) بنیاد کردند.^{۸۳}

مکان این کوی معلوم نیست لکن مسلم است که چون این مدرسه از آن شیعیان بوده، این محله در نیمه غربی و جنوبی ری قرار داشت.

مکان‌های یاد شده در بالا تماماً در حوزه محله‌های شیعه‌نشین ری قرار می‌گیرند، و در مقابل محله‌هایی چون: شافعیه، پالانگران، در شهرستان، در کنده و ساربانان در حوزه محله‌های سنی‌نشین قرار می‌گیرند.

ص: ۵۷

۵. ورامین

یکی دیگر از شهرهای شیعه‌نشین در حوزه عراق عجم، ورامین است. این شهر، از پُرجمعیت‌ترین مراکز جمعیتی در ناحیه ری بود؛ اما در آغاز قرن نهم هجری، رو به خرابی رفت و بعدها تهران، جای ورامین را گرفت.^{۸۴}

^{۸۰} (۲). برخی از آثار بازمانده از ری قلم، ص ۱۹۵.

^{۸۱} (۳). نقض، ص ۴۸.

^{۸۲} (۴). برخی از آثار بازمانده از ری قلم، ص ۱۹۸.

^{۸۳} (۵). نقض، ص ۲۰۹.

در آغاز ورامین، دیهی بوده است که از نظر آب و هوا از ری خوش‌تر و محصول آن، پنبه و غله و انواع میوه‌ها بوده است. اهل آن‌جا شیعه اثنی عشری بودند و تکبیر بر طبعشان غالب بود.^{۸۵}

ورامین با این که یک ده محسوب می‌شد، اما منزلت آن از شهرها باز نماند. آثار شریعت و انوار اسلام، طاعات و عبادات و ملازمت خیرات و احسان در آن‌جا ظاهر بود. از برکات رضی الدین ابو سعد و پسران او بهره‌ها برده‌اند. همچنین حضور مسجد جامع و مدرسه رضویه و فتحیه با اوقاف معتمد و مدرسان عالم متدین و فقهای طالب مجد، پُررنگ است. در آخر این که در هر رمضان، خوان عامی برپا داشته و رسومی که در میان همه طوایف اسلام از حنفی و سنی بی‌تعصب باشد، در این شهر دیده می‌شود.^{۸۶}

ب. حوزه حاشیه خزر

گرگان، طبرستان و دیلمان

موج تشیع در بلاد شرقی ایران، زاییده قیامی بود که عباسیان به طور پنهانی، آن را رهبری می‌کردند و بسیاری از کسانی که با انقلاب عباسی همراه شدند، از شیعیانی بودند که بعدها برضد عباسیان موضع گرفتند و جانبداری خود را از علویان حفظ کردند. در اخبار مربوط به قیام عباسیان آمده: وقتی جمعی از شورشیان از خراسان وارد جرجان شده و یک‌ماه در آن‌جا ماندند، شیعیان این شهر، اموال و طلاهای فراوانی به آنان دادند.

ص: ۵۸

شاید کهن‌ترین تصریح به حضور تشیع در گرگان، سخنان مقدسی در قرن چهارم هجری باشد که ضمن شرحی از جرجان و نقل خوبی‌های آن از تعصب‌های فرقه‌ای در آن‌جا یاد می‌کند. البته باید خاطر نشان ساخت که در جرجان و استرآباد، جدای از شیعیان، دو گروه عمده از سنیان، اهل حدیث و اصحاب رای (اصحاب ابو حنیفه) نیز حضور داشتند. اهل سنت این ناحیه در قرون نخستین اسلامی، بسیار فراوان و بخش‌های مرکزی طبرستان مانند آمل و ساری بر تشیع بوده‌اند؛ اما هر اندازه که در شرق یا غرب از این مرکز دورتر رویم، سلطه مذهب اهل سنت بیشتر است.^{۸۷}

طبرستان که حوزه‌ای است در دشت ساحلی، کوه‌هایی بسیار با بارانی فراوان دارد و قصبه آن، آمل است. مردم این ناحیه و دیلمان تا روزگار حسن بن زید، کافر بودند و بعد از او در زمان جانشینش اطروش علوی، گسترش اسلام با موفقیت بیشتری روبه‌رو بوده است. از آن‌جایی که اسلام آنان از ابتدا با تشیع زیدی همراه بوده است، لذا در قرن هشتم، مردم آن‌جا به شیعه و بواطنه نزدیک‌ترند.^{۸۸}

^{۸۴} (۱). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۳۴.

^{۸۵} (۲). نزهة القلوب، ص ۵۹.

^{۸۶} (۳). نقض، ص ۲۰۰.

^{۸۷} (۱). تاریخ تشیع در جرجان و استرآباد، ص ۴۵.

^{۸۸} (۲). جغرافیای تاریخی و انسان‌شناسی شیعه در جهان اسلام، ص ۹۷.

ساری و ارم از شهرهای طبرستان، همیشه دارالملک و سریرگاه ملوک مازندران بوده‌اند. پادشاهان مازندران چون: شهریار، قارن، گردباز، اصیهد علی و شاه شهید رستم علی، در جهاننداری، قلعه‌گشایی، لشگرکشی، دشمن‌کشی و عقل و عدل معروف‌اند و مقبول سلاطین آل سلجوق. از سادات ساری می‌توان سید الحسن و اولاد او، شرف‌الدین، تاج‌الدین، قطب‌الدین و بهاء‌الدین را نام برد که دارای فضل و شرف و نسب عالی هستند.^{۸۹}

غربا و بازرگانان در این شهر، ایمن و شعار مسلمانی در مدارس، مساجد و مجالس آنان ظاهر است. این شهر در زمان حکومت رستم بن علی و پدرش علی بن

ص: ۵۹

شهریار، قبه‌الإسلام بوده و به قول نویسنده نقض: «هر سال ملحد و باطنی را در آن جا طعمه سگان می‌کنند».^{۹۰}

ج. حوزه خراسان

سبزوار

این شهر، محل شیعت و اسلام، آراسته به مدارس نیکو، مساجد نورانی و علمای طریقت و شریعت است. در این بقعه، خصومتی آشکار با ملاحده و بوطانه دیده می‌شود. درس و مناظره و مجالس ختم قرآن در آن متواتر و ظاهر.

عبّاس‌والی‌ری که مردی غازی بود و با باطنیه پیوسته جنگ می‌کرد،^{۹۱} به همراه امیر عادل غازی، اینانج اتابک - که در بعضی از منابع اینانج نیز آمده -، به سمت سبزوار حرکت می‌کنند و در این جاست که باید در حق سبزوار، سکوت اختیار کرد و زبان به ادب گشود، با این توضیح که این والیان در دامغان، مجبور به غارت و نهب و ملحد کشتن می‌شوند؛ ولی در سبزوار چنین وضعی حاکم نیست.^{۹۲}

نتیجه‌گیری

بررسی سیر تشیع و شکل‌گیری آن در مناطق مختلف ایران، از مسائل مهم و حائز اهمیت است که به شناخت هرچه بهتر فرآیند پایه‌گذاری و تثبیت نهاد تشیع در ایران می‌انجامد.

قرون چهارم و پنجم هجری - که به زمان نگارش کتاب نقض، نزدیک است -، با تمام فراز و فرودهایی که برای شیعیان داشتند، از درخشان‌ترین ادوار در تاریخ تشیع به حساب می‌آیند و همواره دو عامل اصلی در پیشروی آن، نقش عمده داشتند: ابتدا غلبه ترکان بر خلافت و تضعیف آن و دوم، شکل‌گیری آل بویه و اقدامات آنان در مسیر تشیع.

ص: ۶۰

^{۸۹} (۳). نقض، ص ۳۹۱.

^{۹۰} (۱). همان، ص ۲۰۰.

^{۹۱} (۲). راحة الصدور و آية السرور، ص ۲۳۲.

^{۹۲} (۳). ر. ك: نقض، ص ۲۰۲.

در حقیقت، یکی از کتب اصلی و مهمی که در سایه آن می‌توان به تصویری مناسب و شایسته از شیعیان قرون پنجم و ششم رسید، کتاب نقض عبد الجلیل قزوینی رازی است که حاوی مطالب گوناگون: دینی، کلامی، فقهی، جغرافیایی، تاریخی و ... است.

در واقع، نقض، کتابی چند بُعدی است که بررسی آن از هر زاویه و با هر نگرشی، حائز اهمیت و ارزش است. در این جا پراکندگی جغرافیایی - جمعیتی شیعیان بر مبنای این کتاب، مورد بررسی قرار گرفت. عبد الجلیل در کتاب خود به بیان شهرهای شیعه‌نشین در سه حوزه عراق عجم، حاشیه خزر و خراسان پرداخته است. بر مبنای کتاب او، قم، کاشان، آوه، ری، ورامین، گرگان، طبرستان، دیلمان و سبزواری در حوزه تشیع امامی قرار می‌گیرند و او، این‌گونه حضور دائمی و ظهور آشکار شیعیان در قرون چهارم و پنجم را به اثبات می‌رساند.

ص: ۶۱

منابع و مآخذ

۱. اطلس شیعه، رسول جعفریان، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷ ش.
۲. أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ابو عبد الله محمد بن احمد مقدسی، تصحیح: علی‌نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش.
۳. برخی از آثار باز مانده از ری قدیم، حسین کریمان، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۴۵ ش.
۴. پژوهشی در شاه‌نامه، حسین کریمان، علی میرانصاری، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵ ش.
۵. تاریخ تشیع در جرجان و استرآباد، رسول جعفریان، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۶. تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی، تصحیح: سید جلال تهرانی، تهران، ۱۳۱۳ ش.
۷. تاریخ گسترش تشیع در ری، رسول جعفریان، تهران: آستان مقدس عبد العظیم، ۱۳۷۱ ش.
۸. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، گی لسترنج، ترجمه: محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷ ش.
۹. جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، رسول جعفریان، تهران: انصاریان، ۱۳۷۱ ش.

ص: ۶۲

۱۰. درآمدی بر مطالعات جمعیتی، دیوید لوکاس و پاول میر، ترجمه: حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق، محمد بن علی بن سلیمان راوندی، محمد اقبال، مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. روضات الجنات، محمد باقر الموسوی الخوانساری الاصبهانی، تهران: مکتبه اسماعیلیان.
۱۳. سفرنامه ابودلف، ابودلف خزرچی، ولادیمیر مینورسکی، ترجمه: ابو الفضل طباطبایی، تهران: زوآر، ۱۳۵۴ ش.
۱۴. سفرنامه ابن حوقل، محمد حوقل تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
۱۵. مبانی جمعیت‌شناسی، مهدی امانی، تهران: سمت، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. مسالک و ممالک، اصطخری، ابراهیم بن محمد، ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. معجم البلدان، یاقوت بن عبد الله حموی، تهران: اسدی، ۱۳۴۴ ش.
۱۸. نزهة القلوب، حمد الله مستوفی، تصحیح: محمددبیر سیاقی، تهران: طهوری، ۱۳۳۶ ش.
۱۹. نقض (بعض مثالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض»، عبد الجلیل قزوینی رازی، تصحیح: جلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.

ص: ۶۳

۹۳